

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره مبارکه ماعون

استاد ضرابی مهر ماه ۱۳۹۹

جلسه چهارم

آیه شریفه : «وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ (۳) - و به دادن خوراك به بینوا ترغیب نمی کند (۳)»

عنوان: ارتباط با آیه قبل

نسبت میان این آیه شریفه به آیه قبل از آن، می تواند گویای شدت بی اعتنایی به احوال نیازمندان باشد؛ زیرا در این آیه شریفه در باره تشویق به اطعام سخن می گوید در حالیکه در آیه قبل در باره یتیم سخن به میان آمده است. کسی که متکفل یتیمی می شود امور او از قبیل مسکن و پوشاک و خوراک و تعلیم و تربیت و غیره را عهده دار می شود. وقتی نمی خواهد زیر بار این مسئولیت برود، حد اقل این است که به تأمین مخارج او کمک کند و اگر نه، حداقل در تأمین خوراک برای زنده ماندن آنها مشارکت داشته باشد و اگر در این حد هم حاضر به صرف مال خود در راه نیازمندان نیست، لااقل در حد گفتاری که دیگری عهده دار تأمین غذای نیازمندی شود، حرفی بزند و سخنی بگوید. چنانچه در این حد هم نیست، این نشان از بی اعتقادی او و انکار نسبت به روز جزا دارد.

ده روز مهر گردون افسانه است و افسون نیکی به جای یاران فرصت شمار یارا

کلمه (حض) به معنای تحریک و تشویق است، و تقدیرش این می شود که «و لا يحض على اطعام طعام المسكين - یعنی مردم را به اطعام طعام مسکین تشویق نمی کند (و به دادن خوراك به بینوا ترغیب نمی کند)»، «و لا تحاضون على طعام المسكين - و یکدیگر را بر اطعام مستمندان تشویق نمی کنید،» (فجر/ ۱۸)

عنوان: مراتب تصدیق و تکذیب

از این رو برعکس ترتیب گفته شده می‌تواند اهمیت رسیدگی به ایتام و مساکین در نزد خداوند متعال را نشان دهد به نحوی که بگوئیم: کفایت نمی‌کند که انسان تنها خود در تأمین هزینه نیازمندان سهیم باشد بلکه باید فعالیتی تشویقی و ترویجی هم در اشاعه فرهنگ رسیدگی به نیازمندان داشته باشد و اگر چنین دغدغه و فعالیتی نداشت معلوم می‌شود ایمان به روز جزا هنوز در قلب او نفوذ نکرده و عملاً با این کوتاهی، در مرتبه‌ای منکر و تکذیب کننده روز جزا است؛ زیرا همانطور که ایمان و کفر مراتبی دارد و در هر مرتبه‌ای که ایمان نباشد کفر در جای آن می‌نشیند، در مورد تصدیق و تکذیب روز جزا نیز همین مراتب صادق است.

عنوان: مصادیق رساندن نان به سفره نیازمندان

مشارکت در رساندن نان به سفره نیازمندان و ترویج فرهنگ یاری رسانی به تهی‌دستان می‌تواند به صورتهای مختلفی باشد که بعضی از مصادیق آن مبارزه با گران فروشی و احتکار و ایجاد اشتغال و رونق بخشیدن به تولید و عرضه ارزان مواد غذایی و کالاهای غیره است.

کشیده سر به بام خسته جانی

سحر دیدم درخت ارغوانی

بهارت خوش که فکر دیگرانی

به گوش ارغوان، آهسته گفتم

عنوان: خدمت به محرومین تکلیفی الهی است

بنابراین تأمین غذای نیازمندان و خدمت به محرومین تکلیفی الهی است. قرآن برخی اوصاف مؤمنین را چنین می‌شمارد: «الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ * لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ * وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ * وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ * إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ - و آنان که در اموالشان حقی است معلوم. برای افراد سائل و محروم. و آنان که روز جزا را باور دارند. و آنان که از عذاب پروردگارشان بیمناکند. زیرا از عذاب پروردگارشان ایمنی نیست» (معارف/ ۲۸-۲۴)

و در باره اعتراف اهل جهنم می‌گوید: «ما سَلَكُكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ * وَ لَمْ نَكُ نَطْعُمُ الْمَسْكِينِ * وَ كُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ * وَ كُنَّا نَكْذِبُ

بِیَوْمِ الدِّینِ * حَتَّى أَتَانَا الْيَقِینُ - چه چیز شما را روانه دوزخ کرد. گویند: ما از نمازگزاران نبودیم. و افراد مسکین را اطعام نمی‌کردیم و با اهل باطل در سخنان باطل فرو می‌رفتیم. و پیوسته روز جزا را تکذیب می‌کردیم تا آن که مرگ به سراغ ما آمد.» (مدثر / ۴۷-۴۴)

نباشد همی نیک و بد پایدار
همان به که نیکی بود یادگار
دراز است دست فلک بر بدی
همه نیکویی کن اگر بخردی

عنوان: مبدا مانند اصحاب باغ باشیم

خداوند امر فرموده است «وَ إِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُوا الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ - هر گاه خویشاوندان، یتیمان و مسکینان، در موقع تقسیم ارث، حضور یابند، چیزی از آن به آنها ببخشید.» (نساء/ ۸) و همچنین مذمت فرموده متمکنین را از بخل ورزیدن در عطای بخشی از اموال خود به محرومین: «وَ أَنْ لَا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ - امروز هیچ مسکینی نباید در محوطه زراعت شما حضور یابد» (قلم/ ۲۴)

تو هرگز رسیدی به فریاد کس
که می‌خواهی امروز فریادرس؟

عنوان: اولویت‌ها در کمک‌رسانی

طبیعی است شدت نیاز و اولویت‌ها نیز مورد توجه قرآن و اولیاء دین است و تفاوت بین فقیر و مسکین در سوره بقره آیه ۲۷۳ دیده می‌شود: «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ؛ - انفاق برای فقیرانی است که، در راه خدا گرفتار شده‌اند، و آن چنان ظاهر خویش را حفظ می‌کنند که، جاهل از شدت عفت نفس آنان، چنین می‌پندارد غنی و بی‌نیازند.

از امام صادق (علیه‌السلام) یا امام باقر (علیه‌السلام) درباره «فقیر» و «مسکین» سؤال کردند، فرمود: «الْفَقِيرُ الَّذِي لَا يَسْأَلُ وَ الْمَسْكِينُ الَّذِي هُوَ أَجْهَدُ مِنْهُ الَّذِي يَسْأَلُ: فقیر کسی است که سؤال نمی‌کند، و مسکین حالش از او سخت‌تر است، و

کسی است که از مردم سؤال و تقاضا می‌کند» (الوسائل باب: ۱ من أبواب مستحقى الزكاة حدیث: ۲)

تو با خلق نیکی کن ای نیک بخت	که فردا نگیرد خدا بر تو سخت
عبادت بجز خدمت خلق نیست	به تسبیح و سجاده و دلق نیست
ره نیک مردان آزاده گیر	چو ایستاده ای دست افتاده گیر
کسی نیک بیند بهر دو سرای	که نیکی رساند به خلق خدای
خدا را بر آن بنده بخشایش است	که خلق از وجودش در آسایش است



بسم الله الرحمن الرحيم

سوره مبارکه ماعون

استاد ضرابی مهر ماه ۱۳۹۹

جلسه چهارم

آیات شریفه: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ - پس وای بر نمازگزارانی که از نمازشان غافلند»

عنوان: وقتی خدا می‌گوید: وای بر نمازگزاران

در این آیه شریفه وجود «فاء» دلالت دارد بر تفریع که معنایش ارتباط ویل با سهل‌انگاران در نماز و تطبیق تکذیب کنندگان «أرأيت الذي يكذب بالدين» بر نمازگزارانی است که از نماز خود غافل‌اند.

و مراد از «ویل» چاهی در جهنم و مقصود از «سهو» در اصل به معنی خطایی است که از روی غفلت سر می‌زند ولی فردی که در مقدمات آن مقصر

بوده، مستحق عقاب است. مانند آنکه مسکری می‌نوشد و دیگر اختیاری در افعال خود ندارد تا وقتی که این مستی زایل شود.

یکی هفتصد هزاران ساله طاعت بجا آورد و کردش طوق لعنت

طبق فرمایش رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «الصَّلَاةُ عِمَادُ الدِّينِ فَمَنْ تَرَكَ صَلَاتَهُ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ هَدَمَ دِينَهُ، وَمَنْ تَرَكَ أَوْقَاتَهَا يَدْخُلُ الْوَيْلَ، وَالْوَيْلُ وَادٍ فِي جَهَنَّمَ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ - نماز ستون دین است، پس کسی که عمدا نمازش را ترك کند دینش را خراب کرده است و کسی که به اوقات نماز اهمیّت ندهد داخل «ویل» خواهد شد و «ویل» محلی در جهنم است. خداوند در قرآن فرمود: «ویل جای کسانی است که در نمازشان سهل انگاری می کنند.» (بحارالأنوار، ج ۸۲، ص ۲۰۲) «ویل وادی است که (از هر جای دیگری در دوزخ)، قعر آن دورتر و آتش آن گرم‌تر و و عذاب آن سخت‌تر و ماران و کژدمان آن بیشتر است و "تنادی کلّ يوم الهی قد اشتدّ حرّی و بعد قعری و کثر حیّاتی و عقاربی فالیّ اهلی" - آواز می‌دهد هر روز که بار خدایا گرمای من در نهایت است و قعر من بسیار دور است و ماران و کژدمان من کثیر است و طاقتم به سر رسیده، اهل مرا به من رسان» (تفسیر سور آبادی ج ۴ ص ۲۴۳۶)

«و هرجا در قرآن تهدید به ویل شود: وَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ، وَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ، فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا، فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ، وَيْلٌ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ، فَوَيْلٌ لِيَوْمِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ، وَيْلٌ لِلْمُطَفِّينَ، وَيْلٌ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ... مقصود همان چاه است.» (مخزن العرفان ج ۱۵ ص ۲۷۶)

گر طاعت خود نقش کنم بر نانی و آن نان نهم پیش سگی در خوانی

سگ نیز بود گرسنه در زندانی از ننگ بر آن نان ننهد دندان

عنوان: غیر مقصر، سزاوار بخشش است

آنکه در نمازش دچار پراکندگی خاطر می‌شود. باید ریاضاتی را متحمل شود تا بتواند حضور قلب داشته باشد. اما این چنین نیست که مستحق عذاب باشد

« عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ أَهِيَ وَسْوَسةُ الشَّيْطَانِ قَالَ لَا كُلُّ أَحَدٍ يُصِيبُهُ هَذَا وَ لَكِنْ أَنْ يُغْفَلَهَا وَ يَدَّعِ أَنْ يُصَلِّيَ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا- يونس بن عمار گوید: از امام صادق (عليه السلام) درباره‌ی کلام خداوند متعال: الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ پرسیدم: «آیا این امر وسوسه‌ی شیطان است؟» ایشان فرمود: «نه، هرکسی به این امر دچار می‌شود. منظور، کسی است که نماز را نادیده می‌گیرد و به‌جا آوردن آن را در اوّل وقت و ا می‌گذارد.» (وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۴)

عنوان: اگر پراکندگی دلها درمان نشود

دلها از هر چه برایشان مهم است و با هرچه سرگرم و مشغول آن بوده‌اند یاد می‌کنند، اگر به حال خود رها شوند به سوء عاقبت مبتلاء می‌شوند. در قرآن می‌خوانیم: «أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا - نماز را ضایع کردند و از هوس‌ها را پیروی نمودند. پس به زودی (کیفر) گمراهی خود را خواهند دید» (مریم/۱۵)

پیامبر عظیم‌الشان اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به اصحاب خود فرمودند: « لَا تُضَيِّعُوا صَلَاتَكُمْ ، فَإِنَّ مَنْ ضَيَّعَ صَلَاتَهُ خُسِرَ مَعَ قَارُونَ وَ هَامَانَ وَ فِرْعَوْنَ ، وَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ النَّارَ مَعَ الْمُنَافِقِينَ فَالْوَيْلُ لِمَنْ لَمْ يُحَافِظْ عَلَى صَلَاتِهِ وَ أَدَاءِ سُنَّةِ نَبِيِّهِ - یاران من! نمازتان را تباه نکنید، زیرا هر کس نماز خود را تباه سازد روز قیامت با قارون و هامان و فرعون محشور می‌شود. پس در این حال شایسته است که خداوند او را همراه منافقان به آتش افکند. و ویل برای کسی است که نمازش را مراقبت و حفاظت نکند و سنت پیامبرش را به‌جا نیاورد.» (وسائل الشیعه: ج ۴، ص ۳۰، ح ۴۴۳۱) و نیز فرمود: « لَيْسَ مِنِّي مَنْ اسْتَخَفَّ بِصَلَاتِهِ لَا يَرِدُ عَلَى الْحَوْضِ لَا وَ اللَّهِ - آن کس که نماز را سبک شمارد (به خدا قسم) روز قیامت در کنار حوض کوثر، با من ملاقات نخواهد کرد.» (بحار الأنوار، ۷۹ / ۱۳۶)

ای گرفتار و پای بند عیال دیگر آسودگی مبند خیال
غم فرزند و نان و جامه و قوت بازت آرد ز سیر در ملکوت

همه روز اتفاق می‌سازم که به شب با خدای پردازم

شب چو عقد نماز می‌بندم چه خورد بامداد فرزندم

عنوان: «ویل» در دنیا و آخرت

اینکه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود: «یاران من! نمازتان را تباه نکنید، زیرا هر کس نماز خود را تباه سازد روز قیامت با قارون و هامان و فرعون محشور می‌شود» و اینکه فرمود: «نماز ستون دین است، کسی که به اوقات نماز اهمّیت ندهد داخل "ویل" خواهد شد» به صراحت ما را متوجه رخنه و شکاف بزرگی می‌کند که در دنیا با دست خود انسان در بنای وجود او ایجاد می‌شود که همان چاه ویل است؛ بی‌هویتی و بحران شخصیتی و پوچی در اعتقادات و زشتی کردار، خلأ عظیمی است که چرک و خون حاصل از گناهان در انتهای آن می‌جوشد.

برآر دست تضرّع ببار اشک ندّم ز بی نیاز بخواه آنچه بایدت به نیاز

سرامید فرود آر و روی عجز بمال بر آستان خداوندگار بنده نواز

فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در باب آثار و عقوبات بی توجهی به نماز، سوال کردند «فقلت: یا ابتاه ما لمن تهاون بصلاته من الرجال و النساء - ای پدر چه عقوبتی است برای کسی که نمازش را سبک می‌شمارد چه زن باشد و چه مرد باشد» پیامبر اکرم (ص) فرمود: «ای فاطمه، هر کس چه مرد باشد و چه زن، نمازش را سبک بشمارد، خداوند او را به پانزده مصیبت گرفتار می‌نماید: شش چیز در سرای دنیا، و سه چیز هنگام مرگ، و سه چیز در قبرش، و سه چیز در قیامت هنگام بیرون آمدن از قبر.

مصیبت‌هایی که در دار دنیا بدان مبتلا می‌گردد عبارتند از: خداوند، خیر و برکت را از عمر او برمی‌دارد. خداوند، خیر و برکت را از روزی‌اش برمی‌دارد. خداوند - عزّ و جلّ - نشانه صالحان را از چهره او محو می‌فرماید در برابر اعمالی که انجام داده پاداش داده نمی‌شود، دعای او به سوی آسمان بالا

نمی‌رود و مستجاب نمی‌گردد، هیچ بهره‌ای در دعای بندگان شایسته خدا نداشته و مشمول دعای آنان نخواهد بود. و مصائبی که هنگام مرگ به او می‌رسد بدین ترتیب است: با حالت خواری و زبونی جان می‌دهد، گرسنه می‌میرد، تشنه جان می‌سپارد، به گونه‌ای که اگر آب تمام رودخانه‌های دنیا را به او بدهند، سیراب نگشته و تشنگی‌اش برطرف نخواهد شد. و مصیبت‌هایی که در قبرش بدان گرفتار می‌گردد بدین قرار می‌باشد: خدا فرشته‌ای را بر او می‌گمارد تا او را در قبر نگران و پریشان نموده و از جایش برکند، خداوند گور را بر او تنگ می‌گرداند. قبرش تاریک می‌شود. و مصائبی که در روز قیامت، هنگام بیرون آمدن از قبر، بدان مبتلا می‌شود، عبارت است از: خداوند فرشته‌ای را بر او می‌گمارد تا در حالی که مردم به او می‌نگرند، او را به رو بر زمین بکشد، سخت از او حساب می‌کشند.»

کسی روز محشر نگرده خجل	که شب‌ها به درگاه برد سوز دل
اگر هوشمندی ز داور بخواه	شب توبه تقصیر روز گناه
هنوز از سر صلح داری چه بیم	در عذرخواهان نبندد کریم